

نقش استراتژیک حوزه های علمیه در واکاوی شیوه های دشمن شناسی

فاطمه رضایی^۱

چکیده

یکی از چالش های اساسی جوامع اسلامی در عصر معاصر، پیچیده شدن الگوهای دشمنی و انتقال تقابلهای عرصه های سخت و آشکار به حوزه های نرم، شناختی و فرهنگی است. در چنین شرایطی، دشمن شناسی به عنوان یکی از آموزه های بنیادین اندیشه اسلامی، نقشی تعیین کننده در صیانت از هویت دینی، امنیت فکری و پایداری اجتماعی ایفا می کند. حوزه های علمیه، به مثابه نهاد مرجع تولید معرفت دینی، واجد ظرفیت های منحصر به فردی برای فهم، تبیین و مدیریت راهبردی این پدیده هستند؛ با این حال، به نظر می رسد میان توان سنتی حوزه و الزامات مواجهه با تهدیدات نوین شناختی و فرهنگی، شکاف هایی وجود دارد که نیازمند واکاوی علمی است. هدف این پژوهش، تبیین نقش استراتژیک حوزه های علمیه در فرآیند دشمن شناسی و بررسی ابعاد معرفتی، آموزشی، اجتماعی و تمدنی این نقش است. تحقیق حاضر می کوشد با عبور از رویکردهای تقلیل گرایانه، الگویی جامع از کارکردهای حوزه در مواجهه فعال و آینده نگر با جبهه معارض ارائه دهد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل مفهومی و اسنادی است و داده ها از طریق بررسی متون دینی، آثار اندیشه اسلامی و تحلیل تحولات معاصر در حوزه جنگ نرم و شناختی گردآوری شده اند. تحلیل داده ها با رویکردی نظام مند و استنتاجی، بر استخراج پیوند میان مبانی دینی و ضرورت های راهبردی عصر جدید متمرکز بوده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که دشمن شناسی ماهیتی چندلایه دارد و صرفاً به سطح سیاسی و امنیتی محدود نمی شود، بلکه ابعاد معرفتی، تربیتی و فرهنگی آن نقشی محوری در شکل گیری مصونیت اجتماعی ایفا می کند. حوزه های علمیه می توانند با گفتمان سازی فعال، تحول در نظام تربیت نخبگان، ارتقای بصیرت عمومی و تقویت هویت اسلامی، به کنشگری مؤثر در این عرصه دست یابند.

کلید واژه ها: حوزه های علمیه، دشمن شناسی، جنگ شناختی، بصیرت اجتماعی، هویت اسلامی

^۱ طلبه کارشناسی، گرایش عمومی ویژه، حوزه علمیه فاطمه زهرا (اسلام آباد غرب). fateme.r.f.f.rrr@gmail.com

۱. کلیات تحقیق

۱-۱. بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع اسلامی در عصر کنونی، ضرورت بازشناسی جبهه‌های متکثر دشمنی با دین و ارزش‌های الهی است (غلامی، ۱۳۹۰). این دشمنی در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای و حتی معرفتی بازتولید می‌شود و هدف غایی آن، تضعیف بنیان‌های فکری امت اسلامی و انقطاع آن از منابع اصیل وحیانی است. در چنین شرایطی، حوزه‌های علمیه - به عنوان نگهبانان میراث معرفتی اسلام و متولیان صیانت از اندیشه دینی - نقشی محوری در تبیین و هدایت جامعه در برابر حمله‌های فکری و فرهنگی دشمن دارند. اگر در گذشته دشمن‌شناسی صرفاً در ابعاد نظامی و سیاسی خلاصه می‌شد، امروزه ابعاد نرم‌افزاری، شناختی و رسانه‌ای آن بسیار پیچیده‌تر و اثرگذارتر شده است (میرمدرس و همکاران، ۱۳۹۵). دشمن امروز نه تنها با تسلیحات نظامی بلکه با «تسلیمات شناختی» در میدان نبرد نرم حضور دارد؛ از آن جمله، جنگ روایت‌ها، تحریف مفاهیم دینی، شبهه‌سازی در متون وحی و القای پوچی در نظام ارزشی اسلام.

در این وضعیت، حوزه‌های علمیه می‌توانند و باید با اتکا بر سرمایه علمی و معرفتی خویش، نقش استراتژیک خود را در عرصه دشمن‌شناسی ایفا کنند. مسئله اصلی این پژوهش از همین ضرورت برمی‌خیزد که آیا حوزه‌های علمیه توانسته‌اند متناسب با پیچیدگی‌های عصر جدید، شیوه‌های دشمن‌شناسی را بازخوانی و بازتولید نمایند؟ و اگر چنین است، چه راهکارهایی برای تبدیل شناخت دشمن به مقاومت معرفتی و تمدنی وجود دارد؟ بررسی عمیق نقش استراتژیک حوزه‌های علمیه در این حوزه می‌تواند الگویی بومی برای تحلیل تهدیدات فکری و فرهنگی فراهم آورد و راه را برای بازسازی گفتمان هوشیاری دینی هموار سازد. به بیان دیگر، آنچه ضرورت پژوهش حاضر را دوچندان می‌کند، شکاف میان توان سنتی حوزه در تبیین دشمن‌نگری قرآنی و الزامات جهان شبکه‌ای امروز است؛ جایی که دشمن در قالب رسانه، محتوا و نظام دانایی جدید بازتولید می‌شود. از این رو، مسئله اصلی تحقیق، واکاوی کارکرد استراتژیک حوزه‌های علمیه در شناخت، تحلیل و مواجهه هوشمندانه با دشمن در عرصه‌های نوین است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت مسئله

اهمیت این مسئله را می‌توان در چند سطح تبیین کرد:

در سطح دینی و اعتقادی، دشمن‌شناسی یکی از آموزه‌های بنیادین قرآن کریم است. قرآن در موارد متعدد مؤمنان را به شناخت دشمن، پرهیز از غفلت و مراقبت از نفوذ فکری و فرهنگی او فرا می‌خواند. از منظر

دینی، ناآگاهی از دشمن، مقدمه انحراف از مسیر حق است. بنابراین، حوزه‌های علمیه به عنوان پاسداران دستگاه معرفتی اسلام، وظیفه دارند این آموزه قرآنی را در حوزه نظری و کارکردی زنده نگه دارند.

در سطح اجتماعی و فرهنگی، ساختار جوامع اسلامی با حجمه‌هایی مواجه است که ماهیتی نرم و خزنده دارند؛ از تحریف ارزش‌ها گرفته تا عادی‌سازی مفاهیم غربی در قالب حقوق بشر یا آزادی. در چنین فضایی، غفلت نسبت به دشمن، به معنای از دست دادن سرمایه فرهنگی و هویتی جامعه است. ضروری است که حوزه علمیه بتواند با تحلیل روندهای فرهنگی و شناخت ابزارهای وی، به مقاوم‌سازی فکری جامعه بپردازد. در سطح امنیتی و تمدنی نیز، دشمن‌شناسی به عنوان ابزار پایداری نظام اسلامی عمل می‌کند. تهدیدات امروز الزاماً در قالب جنگ سخت نیستند؛ بلکه تغییرات نرم‌افزاری در افکار عمومی، باورها و انگیزه‌های نسل جوان بخشی از پروژه بلندمدت دشمن است. بنابراین، حوزه‌های علمیه با برخورداری از پشتوانه معرفتی و جایگاه مردمی، می‌توانند به عنوان ستون اصلی امنیت فکری و هویتی جامعه ایفای نقش کنند.

از منظر علمی و راهبردی، ضرورت تحقیق در این است که تاکنون ادبیات علمی منسجم درباره نقش استراتژیک حوزه‌ها در دشمن‌شناسی تولید نشده است. اغلب پژوهش‌های موجود به تحلیل عمومی تهدیدات فرهنگی یا جنگ نرم پرداخته‌اند، بی‌آنکه به ظرفیت‌های حوزه علمیه به عنوان نهاد معرفت‌ساز و سیاست‌گذار فرهنگی توجه دقیق داشته باشند. این خلأ علمی، نیازمند پژوهشی نظام‌مند است تا با استناد به مبانی مفهومی و عملی حوزه، چارچوبی روشن برای سیاست‌گذاری راهبردی در این زمینه ارائه دهد.

۳-۱. اهداف و فواید تحقیق

هدف کلان این تحقیق، تبیین و تحلیل نقش استراتژیک حوزه‌های علمیه در واکاوی شیوه‌های دشمن‌شناسی است تا ضمن بازشناسی مبانی نظری و دینی این رویکرد، کارکردهای واقعی آن در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای روشن شود.

اهداف جزئی عبارت‌اند از:

۱. واکاوی مبانی قرآنی و روایی دشمن‌شناسی و استخراج چارچوبی بومی برای تحلیل تهدیدات مدرن.
۲. تبیین جایگاه حوزه‌های علمیه در نظام فکری و تمدنی اسلام به عنوان نهاد راهبردی در مقابله با جریان‌های دشمن.
۳. بررسی تحول تاریخی شیوه‌های دشمن‌شناسی در اندیشه فقها و عالمان متقدم و تطبیق آن با شرایط امروز.

۴. ارائه الگوی عملی جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی و تبلیغی حوزه‌ها در ارتقای بصیرت اجتماعی و دینی.

۵. تحلیل چالش‌های ساختاری و معرفتی حوزه‌های علمیه در زمینه دشمن‌شناسی، از جمله ضعف در پیوند میان دانش دینی و علوم انسانی معاصر.

فوائد این تحقیق در دو بعد نظری و کاربردی قابل ملاحظه است:

- از منظر نظری، کاوش در این حوزه موجب تولید چارچوب مفهومی دقیق‌تر برای پیوند میان مطالعات دینی و امنیت فرهنگی می‌شود.

- از جهت کاربردی، یافته‌ها می‌تواند مبنای طراحی دوره‌های آموزشی، بازنگری متون درسی حوزه، و نیز ایجاد شورای مستقل دشمن‌شناسی در ساختار مدیریت حوزه باشد تا رویکردی آینده‌نگر نسبت به تغییرات محیطی شکل گیرد.

در مجموع، این تحقیق می‌کوشد ضمن نهادینه‌سازی مفهوم دشمن‌شناسی دینی، آن را از حالت واکنشی خارج و به وضعیتی پیش‌دستانه، استراتژیک و تمدنی ارتقاء دهد.

۱-۶. پیشینه تحقیق

مرور پیشینه نظری و پژوهشی نشان می‌دهد که «دشمن‌شناسی» به‌عنوان یک مؤلفه بنیادین در منظومه فکری اسلام و گفتمان انقلاب اسلامی، همواره مورد توجه اندیشمندان دینی بوده است؛ بااین‌حال، نوع مواجهه با این مفهوم در آثار علمی، غالباً از رویکرد راهبردی و نهادی فاصله داشته و بیشتر در قالب مباحث اخلاقی، سیاسی یا هنجاری طرح شده است. در متون کلاسیک و آثار اولیه، دشمن‌شناسی عمدتاً ذیل مفاهیمی چون نفاق، استکبار، فریب سیاسی و تهدید ایمان مطرح بوده و کمتر با نگاه سیستمی و آینده‌نگر بررسی شده است.

در حوزه آثار بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره)، دشمن‌شناسی جایگاه محوری دارد. نگارش (۱۳۸۴) با تمرکز بر بیانات و مکتوبات امام خمینی (ره)، دشمن‌شناسی را عنصری اساسی در حفظ استقلال فکری و سیاسی امت اسلامی می‌داند و بر ضرورت هوشیاری مستمر در برابر استکبار جهانی تأکید می‌کند. با وجود اهمیت این اثر، تمرکز آن بیشتر بر بعد گفتمانی و سیاسی دشمن‌شناسی است و کمتر به نقش ساختاری حوزه‌های علمیه در نهادینه‌سازی این مفهوم پرداخته می‌شود. همچنین غلامی (۱۳۹۰) دشمن‌شناسی را در چارچوب مفاهیم اعتقادی و اجتماعی تبیین می‌کند، اما نگاه وی عمدتاً توصیفی است و فاقد الگوی اجرایی برای نقش‌آفرینی نهادی حوزه به‌شمار می‌رود.

در سال‌های اخیر، بخشی از پژوهش‌ها با الهام از بیانات مقام معظم رهبری، به تبیین الگوهای دشمن‌شناسی پرداخته‌اند. دهقان، جوانی و یداله‌ی شیرازی (۱۴۰۰) در پژوهش خود، مفهوم دشمن‌شناسی را از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با تأکید بر مفهوم «استکبار» تحلیل کرده و نشان داده‌اند که دشمن‌شناسی در اندیشه ایشان، دارای ابعاد معرفتی، تمدنی و راهبردی است. به‌طور مشابه، کریمی ابروانی (۱۳۹۹) با استخراج مؤلفه‌های اندیشه دفاعی رهبر انقلاب، به پیوند میان شناخت دشمن و ساخت قدرت نرم اشاره می‌کند. با این حال، این آثار بیش از آن‌که به نقش حوزه‌های علمیه به‌عنوان نهاد تولید و انتقال این اندیشه بپردازند، معطوف به بازخوانی دیدگاه رهبری بوده‌اند.

همزمان با گسترش تهدیدات نرم، پژوهش‌هایی با محور «جنگ نرم» و «جنگ شناختی» در ادبیات علمی کشور پدید آمده است. عراقی، بیدگلی و رجبی‌ده‌برزویی (۱۴۰۱) با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری در برابر آن را بررسی کرده‌اند. همچنین اکبری، پاک‌نیت و همکاران (۱۴۰۳) به راهکارهای قرآنی مواجهه رسانه ملی با اخبار جعلی پرداخته‌اند که نشان‌دهنده پیوند میان دشمن‌شناسی و رسانه است. با وجود ارزش تحلیلی این آثار، نقش حوزه‌های علمیه در تولید چارچوب نظری و هدایت معرفتی این مواجهه، به‌صورت مستقیم مورد واکاوی قرار نگرفته است.

از منظر نهادی و اجتماعی، برخی پژوهش‌ها به رابطه حوزه علمیه با عرصه سیاست، رسانه و جامعه پرداخته‌اند. خلیلی (۱۳۹۷) تحول رابطه حوزه علمیه با دولت را در دوره پهلوی بررسی کرده و نقش تاریخی حوزه در کنشگری سیاسی را نشان می‌دهد. همچنین میرمدرس، عوقی و مهاجرنیا (۱۳۹۵) موضوع مدیریت تحول سیاسی در حوزه‌های علمیه را مورد توجه قرار داده‌اند. در حوزه تعامل رسانه‌ای، کمائی (۱۴۰۳) به خط‌مشی‌های تعاملی حوزه علمیه با رسانه ملی پرداخته است. این آثار، هرچند زمینه‌های کنش اجتماعی حوزه را تبیین می‌کنند، اما پیوند آن با مسئله دشمن‌شناسی به‌مثابه یک مأموریت راهبردی کمتر مورد تصریح قرار گرفته است.

برخی مطالعات نیز به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و هویتی پرداخته‌اند؛ برای نمونه، حاضری و حاجی‌هاشمی (۱۳۹۲) مؤلفه‌های بنیادگرایی دینی را با رویکرد بومی تحلیل کرده‌اند و شفیع‌آق‌پیروز (۱۴۰۱) نقش رهبری نرم در جامعه را از منظر امام علی (ع) بررسی نموده است. همچنین اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۴) الگوی راهبردی سرمایه اجتماعی را بر اساس دیدگاه شهید حاج قاسم سلیمانی تبیین کرده‌اند که به‌طور غیرمستقیم با موضوع دشمن‌شناسی پیوند می‌یابد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ابعاد نرم قدرت و هویت اجتماعی در مطالعات معاصر پررنگ شده، اما همچنان خلأ مطالعه‌ای متمرکز بر نقش علمی-تربیتی حوزه در این میان باقی است. در مجموع، بررسی پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه دشمن‌شناسی در قالب‌های گوناگون معرفتی، سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی مورد بحث قرار گرفته، اما پژوهشی که به‌طور جامع، نقش راهبردی حوزه‌های

منابع دینی و ترجمه آن‌ها به تحلیل‌های روزآمد را دارا می‌باشند. از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، تأکید بر نقش معرفتی و نظری حوزه‌های علمیه در بازتولید گفتمان اصیل اسلامی در مواجهه با جبهه معارض است. نتایج نشان می‌دهد که در غیاب گفتمان‌سازی فعال و ایجابی، میدان تحلیل اجتماعی به تدریج در اختیار روایت‌های رقیب قرار می‌گیرد و دشمن با بازتعریف مفاهیم بنیادین، مرجعیت فکری جامعه را تضعیف می‌کند. حوزه‌های علمیه با تکیه بر ظرفیت اجتهادی خود، قادرند دستگاهی مفهومی و تحلیلی ایجاد کنند که نه تنها روایت دشمن را نقد می‌کند، بلکه افق تمدنی مستقل و امیدبخش برای جامعه اسلامی ترسیم می‌نماید. این گفتمان، هنگامی اثربخش خواهد بود که از حصر در فضای نخبگانی خارج شده و قابلیت انتقال به سطح عمومی جامعه را داشته باشد.

یافته‌های تحقیق در بخش آموزشی و تربیتی نیز حاکی از آن است که دشمن‌شناسی کارآمد، بدون تحول در نظام تربیت نخبگان دینی امکان‌پذیر نیست. تربیت طلبه‌ای که صرفاً به انتقال محفوظات علمی محدود باشد، پاسخ‌گوی نیازهای پیچیده عصر جدید نخواهد بود. دشمن امروز، با ابزارهای جنگ شناختی، رسانه و مهندسی افکار عمومی عمل می‌کند و مقابله با چنین تهدیدی، نیازمند نخبگانی است که قدرت تحلیل کلان، درک تحولات اجتماعی و توانایی ارتباط مؤثر با افکار عمومی را دارا باشند. بنابراین، یکی از نتایج اساسی پژوهش، ضرورت بازتعریف مفهوم «نخبه دینی» در پرتو مأموریت دشمن‌شناسی است.

تحقیق همچنین نشان داد که نظام آموزشی حوزه‌های علمیه، در صورت باقی‌ماندن در چارچوب روش‌های صرفاً حافظه‌محور، نمی‌تواند نقش راهبردی خود را به‌طور کامل ایفا کند. حرکت به سوی آموزش مسئله‌محور، چالش‌محور و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی، از الزامات اساسی برای تبدیل دشمن‌شناسی از یک مفهوم نظری به مهارتی عملی است. این تحول آموزشی، حوزه را قادر می‌سازد تا به جای واکنش‌های دیرنگام، رویکردی پیش‌دستانه در شناسایی و مهار تهدیدات فکری و فرهنگی اتخاذ نماید. از منظر اجتماعی، نتایج پژوهش روشن ساخت که دشمن‌شناسی زمانی به ثمر می‌نشیند که به ارتقای سطح بصیرت عمومی منجر شود. بصیرت، حلقه واسط میان شناخت نظری دشمن و ایستادگی عملی جامعه در برابر اوست. حوزه‌های علمیه، به دلیل سرمایه اعتماد اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در هدایت افکار عمومی دارند؛ مشروط بر آنکه روشنگری آنان مبتنی بر تبیین عقلانی، پرهیز از هیجان‌زدگی و متناسب با سطح فهم مخاطبان باشد. جامعه‌ای که از بصیرت برخوردار است، کمتر دچار سردرگمی، دوگانه‌سازی‌های کاذب و انفعال در برابر عملیات روانی دشمن می‌شود.

در سطح تمدنی، یکی از مهم‌ترین نتایج تحقیق، تأکید بر پیوند عمیق میان دشمن‌شناسی و تقویت هویت اسلامی است. دشمن‌شناسی صرف، بدون پیشنهاد بدیل فرهنگی و هویتی، نمی‌تواند جامعه را در بلندمدت مقاوم سازد. حوزه‌های علمیه با بازخوانی عالمانه مؤلفه‌های هویت اسلامی و تولید روایت‌های معنادار از دین،

زندگی و پیشرفت، می‌توانند جبهه فرهنگی جامعه را تقویت کرده و از استحاله ارزشی و هویتی جلوگیری نمایند. این نقش، حوزه را از جایگاه یک نهاد آموزشی صرف، به ستون فکری پروژه تمدن اسلامی ارتقا می‌دهد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که در شرایط کنونی، ایفای نقش اجتماعی حوزه بدون تعامل فعال و هدفمند با نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای امکان‌پذیر نیست. دشمن از شبکه‌ای گسترده و هماهنگ برای تثبیت روایت‌های خود بهره می‌برد و حوزه نیز ناگزیر است با حفظ مرجعیت علمی و محتوایی خود، در این میدان حضور مؤثر داشته باشد. تعامل هوشمندانه با رسانه‌ها، به حوزه اجازه می‌دهد تا مفاهیم عمیق دشمن‌شناسی را به زبان عمومی ترجمه کرده و دامنه اثرگذاری خود را از فضای درسی فراتر ببرد. در جمع‌بندی نهایی، نتایج این تحقیق گویای آن است که نقش حوزه‌های علمی در دشمن‌شناسی، نقشی چندبعدی، پیوسته و راهبردی است که سطوح معرفتی، تربیتی، اجتماعی و تمدنی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. هرگونه نگاه تقلیل‌گرایانه به این نقش، موجب تضعیف کارآمدی حوزه در مواجهه با تهدیدات نوین خواهد شد. در مقابل، رویکردی جامع و آینده‌نگر می‌تواند حوزه‌های علمی را به بازیگر محوری در تأمین امنیت فکری، فرهنگی و هویتی جامعه اسلامی تبدیل کند و دشمن‌شناسی را از سطح یک موضوع نظری، به یک سرمایه تمدنی پایدار ارتقا دهد.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، روشن شد که تحقق نقش استراتژیک حوزه‌های علمی در واکاوی و مدیریت شیوه‌های نوین دشمن‌شناسی، مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ، تدریجی و بلندمدت در سطوح نظری، آموزشی، نهادی و اجتماعی است. از این‌رو، پیشنهادات ارائه‌شده در این بخش، ناظر به تقویت توانمندی‌های درونی حوزه‌های علمی و نیز ارتقای کارکرد بیرونی و تمدنی آن‌ها در مواجهه با تهدیدات فکری و فرهنگی معاصر است.

نخستین و بنیادی‌ترین پیشنهاد، نهادینه‌سازی دشمن‌شناسی به‌عنوان یک محور مستقل و راهبردی در نظام علمی حوزه‌های علمی است. هرچند آموزه‌های مرتبط با شناخت دشمن به‌صورت پراکنده در متون دینی و دروس سنتی وجود دارد، اما نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فقدان یک چارچوب منسجم و نظام‌مند، موجب شده است این آموزه‌ها از ظرفیت راهبردی خود فاصله بگیرند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود دشمن‌شناسی با رویکردی اجتهادی، میان‌رشته‌ای و مسئله‌محور، به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی مستقل در ساختار آموزشی و پژوهشی حوزه طراحی و تثبیت شود تا بتواند پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های جنگ شناختی و فرهنگی عصر حاضر باشد. دومین پیشنهاد، بازنگری هدفمند در نظام تربیت نخبگان دینی با تمرکز بر پرورش تحلیل‌گران راهبردی است. حوزه‌های علمی، در کنار تربیت فقیه و متکلم، نیازمند تربیت طلابی هستند که توانایی تحلیل تحولات

کلان اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای را داشته باشند و بتوانند پیوند میان مبانی دینی و واقعیت‌های روز را برقرار سازند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سازوکارهای شناسایی استعدادهای تحلیلی، تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و آموزش روش‌های تحلیل گفتمان و عملیات روانی، به‌صورت هدفمند در فرآیند آموزشی حوزه گنجانده شود.

سومین پیشنهاد، حرکت از آموزش حافظه‌محور به آموزش مسئله‌محور در حوزه دشمن‌شناسی است. نتایج تحقیق نشان داد که دشمن‌شناسی زمانی کارآمد خواهد بود که طلاب بتوانند مسائل واقعی جامعه را تحلیل کرده و برای آن‌ها راه‌حل‌های دینی و عقلانی ارائه دهند. از این رو، پیشنهاد می‌شود در طراحی دروس مرتبط، به‌جای تمرکز صرف بر انتقال مفاهیم، از سناریوهای واقعی، مطالعات موردی و تحلیل رویدادهای عینی استفاده شود تا زمینه تبدیل دانش نظری به مهارت عملی فراهم گردد.

چهارمین پیشنهاد، تقویت نقش حوزه‌های علمی در ارتقای بصیرت عمومی جامعه است. حوزه‌ها می‌توانند با تولید محتوای تحلیلی متناسب با سطح فهم عمومی، نقش مؤثری در پیشگیری از انحرافات فکری و القاءات دشمن ایفا کنند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود سازوکارهای مشخصی برای ارتباط مستمر میان عالمان دین و بدنه اجتماعی، به‌ویژه نسل جوان، طراحی شود تا فرآیند روشنگری از حالت مقطعی و مناسکی خارج شده و به یک جریان پایدار فرهنگی تبدیل گردد. پنجمین پیشنهاد، تعامل نهادمند و هوشمندانه حوزه‌های علمی با نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای است. نتایج این پژوهش نشان داد که عدم حضور فعال حوزه در عرصه رسانه، عملاً میدان را برای روایت‌سازی دشمن خالی می‌گذارد. از این رو، پیشنهاد می‌شود حوزه‌ها با حفظ استقلال و مرجعیت علمی خود، از ظرفیت رسانه‌های نوین برای انتقال پیام‌های دشمن‌شناختی استفاده کنند و در عین حال، طلاب و نخبگان مستعد را برای ایفای نقش مؤثر در این عرصه تربیت نمایند.

ششمین پیشنهاد، تمرکز ویژه بر تقویت هویت اسلامی به‌عنوان بنیان دشمن‌شناسی تمدنی است. دشمن‌شناسی بدون ارائه بدیل هویتی، به‌مرور به گفتمانی سلبی و کم‌اثر تبدیل خواهد شد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود حوزه‌های علمی با بازخوانی خلاقانه مفاهیم هویتی دین و پاسخ‌گویی به پرسش‌های معاصر، نقش فعال‌تری در بازسازی اعتماد به نفس تمدنی جامعه اسلامی ایفا کنند و نشان دهند که دین، توانایی هدایت زندگی فردی و جمعی در جهان مدرن را دارد. در پایان، در حوزه پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی به مطالعات موردی و تطبیقی در زمینه عملکرد حوزه‌های علمی در مواجهه با تهدیدات فکری بپردازند و الگوهای موفق تاریخی و معاصر را مورد واکاوی قرار دهند. همچنین، انجام پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با بهره‌گیری از علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، می‌تواند به غنای نظری و عملی دشمن‌شناسی حوزوی کمک شایانی نماید.

در مجموع، اجرای این پیشنهادات می‌تواند زمینه‌ساز گذار حوزه‌های علمیه از رویکردهای پراکنده و واکنشی به یک الگوی منسجم، آینده‌نگر و تمدن‌ساز در دشمن‌شناسی گردد و جایگاه این نهاد را به‌عنوان ستون فکری و راهبردی جامعه اسلامی بیش از پیش تثبیت نماید.

منابع و مآخذ

مقالات

- کریمی، ایروانی. (۱۳۹۹). مفهوم شناسی و ارائه الگوی اندیشه دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا) مدّظله العالی (با محوریت بیان خاطرات ایشان در حوزه دفاعی-نظامی. فصلنامه امنیت پژوهی، ۱۹(۷۰)، ۱۰۰-۷۳.
- دهقان، جوانی، یدالله، یداللهی، شیرازی. (۱۴۰۰). مقاله پژوهشی: الگوی دشمن‌شناسی از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با تأکید بر لفظ استکبار. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۹(۸۴)، ۸۵-۱۰۸.
- اکبری، کمال، پاک‌نیت. (۱۴۰۳). راهکارهای قرآنی مواجهه رسانه ملی با اخبار جعلی. فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۵(۶۵)، ۶۷-۹۲.
- عراقی، بیدگلی، رجبی‌ده‌برزوئی. (۱۴۰۱). واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن. مطالعات دفاع مقدس، ۳۲(۸)، ۲۵۹-۲۷۸.
- کمائی. (۱۴۰۳). خط‌مشی‌های تعاملی حوزه علمیه با رسانه ملی. مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۸(۲)، ۱۴۹-۱۳۱.
- عجمی، خیری، هاشم زهی، نوروز، ذوالقدر، رمضان. (۱۴۰۳). موانع پیاده‌سازی کرسی‌های آزاد اندیشی در دانشگاه‌ها. دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/نامه صادق)، ۳۱(۱)، ۲۸۵-۳۱۲.
- حاضری، حاجی‌هاشمی. (۱۳۹۲). شناخت مؤلفه‌های بنیادگرایی دینی در ایران با رویکرد بومی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۵(۲)، ۸۷-۱۲۵.
- شفیعی، آقا پیروز. (۱۴۰۱). واکاوی نقش رهبری نرم در جامعه از منظر امام علی (ع). پژوهش‌نامه علوی، ۱۲(۲۴)، ۳-۲۴.
- اسماعیلی، عابدینی، محمدی نسب. (۱۴۰۴). تبیین الگوی راهبردی سرمایه اجتماعی مبتنی بر دیدگاه شهید حاج قاسم سلیمانی. مدیریت اسلامی، ۳۳(۱)، ۴۹-۸۹.

- باوفا، مرجان، محسنی. (۱۴۰۰). واکاوی دیدگاه مغنیه درباره‌ی علمای دین. پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده، ۱۴(۶)، ۱۴۷-۱۷۲.
- کافی. (۱۴۰۳). واکاوی مفهوم و الگوی جامعه‌پذیری حوزوی. فصلنامه علمی شیعه‌شناسی، ۲۲(۸۷)، ۱۱۹-۱۵۴.
- خلیلی. (۱۳۹۷). واکاوی رابطه دولت پهلوی اول و حوزه علمیه؛ از تعامل تا تضاد. پژوهش نامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۳(۱)، ۳۲۹-۳۴۰.
- بتولی، فهیم نیا. (۱۳۹۷). واکاوی و مروری بر پژوهش‌های حوزه بازی در کتابخانه‌ها. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۱۰(۳)، ۱۲۹-۱۶۲.
- کنعانی، آهنگری، سعیده‌السادات، شجاعی، سیدمحمدحسین، کفایی‌آهنی‌فر، ... احد. (۱۴۰۱). واکاوی اثرات کووید-۱۹ در حوزه پژوهش مبتنی بر رویکرد آینده پژوهی. پژوهش‌های برنامه و توسعه، ۹(۳)، ۱۸۰-۱۴۷.

کتاب

- نگارش، ح. (۱۳۸۴). دشمن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره). قم: زمزم هدایت.
- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، معاونت پژوهش و آموزش. (۱۴۰۲). دشمن‌شناسی (ره‌نامه؛ جلد ۲۱). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- طباطبایی‌فر، س. م. (۱۴۰۲). حوزه‌ی علمیه‌ی قم و امر سیاسی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- میرمدرس، س. م.، عوقی، و.، مهاجرنیا، م. (۱۳۹۵). مدیریت تحول سیاسی در حوزه‌های علمیه. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- غلامی، ن.ع. (۱۳۹۰). دشمن‌شناسی. قم: مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر.